

ابداع طرح و الگوی نوین سرپوش اسلامی در راستای مطالعه تاریخ حجاب اقوام آذربایجان ایران

پریا تنها

کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس و مدرس آموزشکده فنی دختران ارومیه

مهسا محمدیان^۱

دانشجوی دکتری تکنولوژی نساجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

چکیده

مطالعه تاریخ لباس نشان می دهد پوشش همواره نقش مهمی در شناخت ملل و اقوام دارد و این پوشش خود نشان دهنده تمایز آنان از جنبه های مختلف فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی و عوامل دیگر است. کشور ایران با توجه به گستردگی جغرافیایی آن از تنوع قومیتی بسیار برخوردار است و اقوام آذربایجان یکی از شناخته شده ترین آن می باشد که پیشینه ی کهنی در تاریخ این سرزمین دارد. با توجه به نقوش به جا مانده از آثار باستانی و کتب تاریخی مشاهده می شود که پوشش از دوران قبل و پس از اسلام در این سرزمین وجود داشته است و به هیچ وجه ایرانیان در برهنگی به سر نمی برده اند. پس با توجه به اهمیت حجاب در ایران، بررسی سرپوش های تاریخی پوشاک اقوام جهت ارائه طرح های نوین امری ضروری به نظر می رسد. نتایج حاصل آنکه تلاش گردیده تا با مطالعه هویت سرپوش های اقوام آذربایجان و با بکارگیری چاپ باتیک در تزئین آن که خود بخشی از صنایع دستی منحصر به فرد آذربایجان است، سعی در ایجاد جذابیت از نظر بصری داشته و همچنین با ارائه مقننه های ویژه ای همراه با الگوسازی جهت تسریع روند تولید، در زمینه ی کمک به حفظ اصالت ارزش های پوششی ایران به زیباترین شکل ممکن انجام بگیرد.

واژگان کلیدی: حجاب، سرپوش، اقوام آذربایجان، پوشاک اقوام

^۱ نویسنده مسئول. Mahtan1361@gmail.com

مقدمه

در حالی که در جهان بدحجابی و بی حجابی شیوع پیدا کرده و در اثر همین کار، فساد و بی بند و باری، بسیاری از کشورهای دنیا را فراگرفته، عده ای گمان می کنند که حجاب مخصوص دین مقدس اسلام است، در حالیکه این توهم صحیح نیست. زیرا آنچه به طور خالص می توان گفت آن است که: تمام ملل و مردم جهان، زنانشان دارای حجاب بوده اند، اگرچه در کیفیت پوشش فرق داشته اند. با کندوکاو در تاریخ ایران باستان و آثار بجای مانده از آن دوران که اغلب مردم شان کیش زرتشت داشتند، چنین بدست می آید که زنان ایران از دیرباز حجاب و اخلاق نیکو و پاکدامنیشان زبانزد همه بوده است و این حقیقت نیز روشن می شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد ایران نشده است، بلکه بانوان ایران از قدیم الایام حجاب داشته اند. پوشش تمام بدن در دوره های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان در ایران یک حقیقت بوده است. در ادامه توجه به مطالعات تاریخی و پژوهشی معلوم می گردد که لباس سنتی ایران بیش از ده ها نوع است که به واسطه موقعیت های جغرافیایی و تنوع حضور اقوام مختلف در کشور می باشد. برخی از این لباس ها با اندک تغییری مناسب برای فضای جامعه امروزی ایران اسلامی خواهند شد که علاوه بر جذابیت، منحصر به فرد بودن، زیبایی و شکیل بودن، راحت و مناسب، کامل و برگرفته از سنت های بومی مناطق مختلف کشور است. از این رو اثربخشی بی بدیلی بر میراث فرهنگی ایران گذاشته و به نوعی با رویکردهای جدید محافظت از میراث فرهنگی و صنایع دستی ایران زمین محسوب می گردد. بنابراین با توجه به اهمیت پوشاک اقوام ایرانی و لزوم ترویج اصالت و هنر قومی در هر منطقه از سرزمین متمدن ایران، در بررسی و مطالعه ی پیشینه تاریخ پوشاک ایران به نظر می رسد که طراحی های نوین و تجدد احیا پوشاک اقوام خطه آذربایجان به وفور انجام شده است، حال آنکه تمهیدات زیادی در راستای طراحی سرپوش های نوینی در جهت تولید، برای زنان ایرانی بر گرفته از پوشاک این اقوام انجام نگردیده است. بنابراین ارایه این پژوهش سعی بر ابداع طرح سرپوش هایی دارد تا بتواند با جذابیت خاص خود پاسخ گوی نیازهای پوشش اجتماعی متناسبی برای زنان ایرانی بوده و همچنین زمینه ای جهت مسیری روشن در تولید سبک جدیدی از سرپوش باشد.

مفهوم حجاب:

در زبان عربی «حجاب» به معنای «پوشش» و زن محجوب است، یعنی زنی که با پوششی پوشیده شده باشد (اداره کل آموزش فنی و حرفه ای گیلان، ۱۳۹۸) و مفهوم خمار و جلباب نقش کلیدی در فهم حجاب دارد و با عناوین مقنعه یا روسری و چادر از آن یاد می شود و در لسان العرب میخوانیم: خمار برای زن است و آن دستاری است که زن سرش را با آن می پوشاند. (ابن منظور، ۱۹۹۷م: ج ۴/۲۵۷) و در قاموس المحيط آمده است: جلباب به غیر از ملحفه بلکه مثل آن است و مانند خمار روی لباسهای دیگر پوشیده میشود. (فیروزآبادی، ۱۹۹۸ م: ج ۱/۴۹) و یا در قرآن کریم آمده است: «یَدْنِینَ عَلَیْهِنَ مِنْ جَلَابِیْبِهِنَّ ذَلِكُ أَدْنَىٰ أَنْ یَعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِنَنَّ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِیمًا» (احزاب: ۵۹) «جلبابها (روسریهای بلند) خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است خداوند همواره آمرزنده و مهربان است»

حضرت علی(ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر از واژه «حجاب» استفاده می کند و در آن جا نیز منظور «پرده» است: «پس چرا خود را پنهان میداری؟ (نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۲۲۴)

در زبان انگلیسی dress به معنای «لباس» و «جامه» به کار رفته است و robe به معنای لباس بلند و گشاد (جلباب) و veil به معنای «خمار» و «حجاب» استفاده شده است. (آریان پور، ۱۳۵۴: ۱۱-۱۲) در مصباح آمده است: (حجب به

معنای منع است؛ از این رو، به پوشش، حجاب گفته میشود؛ زیرا پوشش، مانع از مشاهده میشود. به دربان حاجب گفته میشود چون مانع و باز دارنده از ورود دیگران است. در زبان عربی به ابرو از آن جهت حاجب میگویند که به عنوان پرده و مانعی برای چشم در برابر شعاع خورشید عمل میکند. اصل معنای حجاب جسمی است که بین دو جسد حائل میشود و گاه بر امور معنوی نیز به کار میرود؛ از این رو گفته شده اسن "عجز" حجاب میان انسان و مراد او، و معصیت حجاب بین بنده و پروردگار اوست (فیومی، ۱۹۸۷: ۴۷) معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است؛ بی تردید حجاب در این اندازه یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. رسول اکرم به اسما فرمود: همین که دختر به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و آنکه حضرت اشاره به مچ دست به پایین و صورتشان کردند. (سلیمان بن اشعث، بی تا، ج ۲، ص ۵۵۸) نگاهی جامعه شناختی، در واقع حجاب به مفهوم پوشش، در بستری از روابط اجتماعی شکل می گیرد که از یک سو ممکن است دارای شکل و قالبی متنوع و جوهر و محتوایی یکسان باشد (یا بالعکس) و از سوی دیگر از منظری ارتباطاتی، حجاب به مثابه رسانه ای هویتی و ارتباطی است که نقش نمادینی در عرصه ارتباطات میان فردی دارد، لذا مسأله حجاب دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می باشد و دارای مؤلفه های مذهبی - معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری است که میتوان از زوایا، پارادایم ها و منظرهای مختلفی به آن نگریست.

قوم شناسی بر مبنای پوشاک آذربایجان:

لباس محلی هر قوم تابع فرهنگ، اقلیم، مذهب و عوامل موثر دیگر است که بر فرهنگ و هنر ملت ها تاثیر میگذارد. پوشش هر قوم نمایانگر هویت فرهنگی، اعتقادات، باورها و نیز شرایط اقلیمی زیستگاه آنان است. اگرچه در گذشته به مقتضای عوامل مختلف مانند درآمد اقتصادی، نوع کار، مواد اولیه، باورها، هنرهای اجدادی و غیره از پوشش های متنوع و متعددی استفاده می شده است اما امروزه به جز در برخی از روستاها این نوع پوشش به دست فراموشی سپرده شده است. لباسهای محلی و سنتی از دوخت، تزئین ها و نقش هایی برخوردارند که در عین هماهنگی و زیبایی، متنوع نیز هستند. این تنوع در مورد پوشاک و همچنین پارچه ها و بافته های سنتی در روستاها قابل تامل است و منبع الهام مناسبی برای بهره برداری و استفاده کاربردی جهت انتقال طرح و نقش و رنگ به پوشاک و فرهنگ جامعه شهری، البته با رعایت اصول و ساختارهای مناسب برای فضاهای فرهنگی شهرها است. (وفایی فرد، ۱۳۸۴: ۹۲) پوشاک و زبان بارزترین مشخصه فرهنگی یک قوم محسوب می شود، لباس و سبک پوشش از دیرباز میان اقوام ایرانی در عین همبستگی متفاوت بوده از جمله لباس محلی در آذربایجان، بسیار شیک و با وقار و در عین زیبایی خیره کننده اش پوشیده و جذاب بوده، لباس سنتی آذری با کلاه و در بعضی مواقع با شال و همراه تزئینات زنانه بسیار چشم نواز است. دیار آذربایجان از قدیم تاکنون، مهد فرهنگ و هنر و زیبایی بوده است. استان های آذری زبان هر ساله میزبان گردشگران و مسافران زیادی بوده و با آب و هوای خوش و فرهنگ دیرینه خود زبانزد گردشگران می باشد. لباس محلی آذربایجان از قرن ها پیش نمادی از فرهنگ و هنر این سرزمین بوده است. در سال های اخیر استفاده از لباس های محلی در زندگی روزمره شهر نشینان کم رنگ تر شده ولی همچنان در مراسم ها و آئین های مختلف رنگ و بوی خود را حفظ کرده و مورد استفاده قرار می گیرد. خصوصاً روستاییان و عشایر همچنان با همان لباس های اجداد خود که نشانه ای از شجاعت و دلاوری است ظاهر می شوند. لباس اصیل آذربایجانی نشان دهنده وضعیت تأهل و سن می باشد که رقص آذربایجانی با لباس آذربایجانی به اجرا درمی آید. از قرن بیستم به بعد، لباس محلی آذربایجان در شهرها کاربرد خود را

از دست داده و حالت مدرنیته به خود گرفته است؛ ولی عموماً در مناطق عشایری و روستایی و مناطقی که اهالی آذربایجانی سکونت دارند، به مانند سابق کارکرد خود را حفظ کرده است. لباس های مخصوص بانوان همه ویژگی های یک پوشش کامل را داشته است. جوان ترها با رنگ های شاد و شادی بخش، با دور دوزی ها و نقش نگارهای زیبا و همچنین جنسی از ترمه و ابریشم لباسی بر تن می کردند. زنان این خطه کلاهی بر سر خود می گذاشتند به نام "برک". زنان با سن بالاتر غالباً سربندی روی روسری خود می بستند که به آن "یایلیق" می گویند. که در ادامه پروژه توضیح کامل تر خواهد داشت.

<https://fashion4iran.com/blog>.

سه نوع لباس محلی شامل لباس محلی شهری، روستایی و عشایری وجود دارد که این نوع لباس ها در دوره صفویه و قاجار بیشتر استفاده میشد. لباس های روستایی هنوز در برخی از روستای های استان مانند دویجان شهرستان مرند رایج است و زنان و مردان آنجا همچنان از لباس محلی استفاده می کنند. آذربایجان به دلیل در بر گرفتن دو قوم بزرگ آذری و کرد، و هم چنین ایل ها و عشایر متعدد، انواع مختلفی از پوشاک دارد. در نقاط عشایری استان نیز لباس های محلی کماکان رایج است اما با ورود پارچه و لباس های ارزان قیمت، لباس های محلی تحت تاثیر قرار گرفته است به طوری که جوانان عشایر دیگر از لباس های سنتی و محلی خود استفاده نمی کنند. با این همه باید لباس های محلی حفظ شوند و با ثبت مهارت در دوختن لباس های محلی آذربایجان برای حفظ فرهنگ بومی و محلی منطقه نیز تلاش کرد هر چند نمی توان کسی را برای استفاده از این لباس ها ملزم کرد. ارزش لباس های محلی در ایران به تا اندازه ای است که یک سری تمبر چهارتایی از لباس های محلی کشورمان از جمله آذربایجان شرقی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده است لباس های محلی نمادی از فرهنگ زیبای مردمان هر منطقه دارد. لباس هایی که رنگ و طرح آن همیشه الهام گرفته از طبیعت بوده اند. لباس آذری یکی از لباس های زیبایی است که نشان فرهنگ غنی و مردمان خوش ذوق و هنرمند دارد. لباس سنتی مردان و زنان آذری از مهمترین این تن پوش هاست.

متأسفانه از قرن بیستم به بعد، لباس سنتی آذری در شهرها کاربرد خود را از دست داده و حالت مدرنیته به خود گرفته است؛ ولی عموماً در مناطق عشایری و روستایی و مناطقی که اهالی آذربایجانی سکونت دارند، به مانند سابق کارکرد خود را حفظ کرده است. معمولاً این لباس محلی در مجموع بین زنان و مردان به سه بخش تن پوش، پاپوش و سرپوش تقسیم می شوند. که این مقاله به بررسی دسته سوم آن، سرپوش ها می پردازد. سنگ نگاره های به جا مانده از باستان هم نشان می دهد، که ایرانیان در زمینه ی پوشاک، صنعت بافندگی و نساجی، تزیین جامه و موارد مشابه بسیاری از مناطق غرب و ملل شرق تقاهم داشته انالی دستمالی که زنان بر روی دهان و بینی خود می بندند و در زبان ترکی ایشماتو و در زبان ارمنی « اوشماق » نامیده می شود. تا هشتاد، نود سال پیش در روستاهای این شهر مردها نیز باشماق « می بسته اند: السر بند سفیا - که از تکه ابریشم مربع شکلی است که به طور مورب تاخورد و در پشت بسته می شود. راست پارچه را می توان از روی دهان به عنوان امق (رویاع)، گذراند. این لباس تا اواسط دهه ی ۱۹۷۰ م. رایج بود (اندروز، ۱۳۸۲: ۳۱۶).

که البته هنوز هم یاشماق مورد استفاده ی زنان ترکی آذربایجان است و یکی از خصیصه های بارز زنان ترک این منطقه می باشد، که آن ها را نسبت به دیگر زنان کرد آذربایجان و زنان کرد دیگر نقاط ایران متمایز می سازد. البته لازم به ذکر است که یاشماق را فقط زنان ترک استفاده می کنند و عادت دارند که حتما چانه ی خود را ببوشانند و این نوع رفتار آنها ریشه ی تاریخی دارد واز گذشته تا به امروز بر جای مانده است. به این صورت که با کلاه انداخته می شد، یک طرف آن از جلوی دهان و بین عبور داده از گذاشتن از پشت سر، انتهای آن دوباره به جلو باز گشته، در جلوی سینه آویزان می شود و سوی دیگر این نیز آزادانه در پشت سرها می گردد و یا پس از گذاشتن یک سوی روسری از جلوی دهان، دو انتهای روسری در سمت چپ کلاه کسره خورده و یا در عقب سر با سنجا قفلی های نقره ای قلاب می شود (محمدی، ۱۳۸۸: ۸۶)

با توجه به بررسی های به عمل آمده استان هر کشوری برای خود لباس های سنتی خاص دارد ، ولی بدون تردید هیچ کشوری همچون ایران دارای تنوع فوق العاده و چشمگیر در پوشاک سنتی نبوده و نیست حسین یاوری معتقد است ، مانایی لباس های سنتی بی دلیل نیست . به اعتقاد وی علت آنکه لباس های سنتی پس از گذشت قرنها ، همچنان خود را به عنوان یک پدیده فرهنگی تثبیت کرده اند ، آن است که در این گونه لباس ها ویژگی های خاصی وجود دارد که عبارت اند از:

- داشتن تجانس و قرابت فوق العاده با فرهنگ جامعه و بویژه با محل مورد نظر خود
- راحتی لباس ، یعنی این گونه لباس ها در عین اینکه از قطعات متعددی تشکیل شده است ، راحتی خاصی نیز دارد و برای انجام فعالیت های روزمره انسان مناسب است.
- کامل بودن پوشاک سنتی از هر نظر ؛ چرا که پوشاک سنتی شامل کفش مناسب و راحت ، البسه زیر و روی متناسب ، پوشش سر و نیز در صورت لزوم زیورآلات ، شال و کمر بند با رعایت خصوصیات فرهنگی جامعه است.
- داشتن زیبایی لباس های محلی مجموعه ای متناسب و هماهنگ هستند که از رنگ بندی و زیبایی خاصی برخوردارند. از آنجا که یکی از بارزترین ویژگی های لباس های سنتی در آن است که به طور عمدیه مواد اولیه آن ، چه در مورد لباس و چه در ارتباط با کفش و کلاه و زیور آلات و غیره در داخل کشور موجود است ، استفاده از این نوع لباس ها ، سدی در برابر مدها و الگوهای بی پایه و اساس وارداتی محسوب می شود و به نوعی به قطع وابستگی اقتصادی کمک می کند.
- لباس های سنتی با توجه به ویژگی های منطقه مورد استفاده خود ارائه میشود این لباس ها از این نظر نیز لباس مناسبی است ، چرا که مناطق گرم دارای لباس های محلی با پوششی کمتر و با استفاده از موادی است که در برابر گرما به انسان تحمل بیشتری می دهد و لباس های مناطق سرد نیز دارای مشخصات مناسب برای مقاومت انسان در برابر سرما است ؛ چنان که لباس مردم بلوچ و لباس مردم کرد هر کدام دارای مشخصات کلی خاص منطقه خود هستند ، که ویژه هر منطقه است نیز توجه کامل شده است (یاوری و سرخوش ، ۱۳۸۹ : ۱۰)

پوشاک استان آذربایجان را می توان به سه دسته لباس شهری ، لباس عشایر و لباس روستایی تقسیم کرد لباس شهری معمولاً ظریف تر و با جزئیات بیشتری است . با توجه به تغییر سبک پوشش در سده گذشته و توسعه اجتماعی و تغییر برخی چارچوب های زندگی سنتی ، لباس سنتی نیز ناکارآمد تلقی شد . در پی آن ، به دلیل توقف بافت پارچه های سنتی و واردات لباس غربی ، پوشیدن لباس های سنتی در شهر های آذربایجان به طور کامل منسوخ گشت و مردم به پوشیدن لباس های جدید به شیوه غربی روی آوردند . شکل و فرم لباس سنتی شهری تبریز تا حد زیادی ادامه همان طرح و فرم لباس دوره قاجار است و از انواع پارچه های ظریف و مرغوب در رنگهای مختلف تهیه می شده است . نمونه هایی از لباس های سنتی شهری تبریز که در سایر شهرهای ایران نیز کمابیش رایج بوده است ، در نقاشی های دوره قاجار همچون تصاویر کتاب هزار و یک شب اثر صنایع الملک دیده می شود. این سبک پوشش تقریباً با همین شیوه در تبریز نیز رواج داشته است.

اَكِنَّةٌ در فرهنگ واژگان قرآن به معنای سرپوش و پوشش آمده است. در لغتنامه دهخدا سرپوش [سَ] (نف مرکب) پوشنده ُ سر. || (ا مرکب) اعم از مقنعه و سرپوش دیگ و طبق خوان و امثال آن است و سرپوشه و سرپوشنه نیز آمده و آن مخفف سرپوشنده است.

- ۱- آن چه بر سر دیگ، کاسه و مانند آن گذارند تا محتوی آن محفوظ بماند. ۲- مقنعه زنان، سرانداز (فرهنگ معین) (اسم، صفت فاعلی) «سرپوشه، سرپوشنه» ۱. پارچه‌ای که زنان با آن سر خود را بپوشانند
- ۲- آنچه بالای چیزی بگذارند که روی آن پوشیده شود (عمید، ۱۳۸۹)

کاربرد انواع مختلف روسری در آذربایجان نیز بیانگر غیرت و تعصب و رنگ روسری نشانگر رنگ گلهای وحشی کوههای آن و نیز جنس های مختلف آن نیز مناسب چهار فصل سال در آذربایجان میباشد.

مروری بر انواع سرپوش در پوشاک سنتی اقوام آذربایجان:

با مروری بر انواع روسری در لباس سنتی آذربایجان به نمود و جایگاه حجاب و عفاف ایرانی بیشتر پی خواهیم برد.

۱) **کلاچه ای**: پارچه ای که از ابریشم یا ابریشم پخته (جوشانده) و رنگزده بافته میشود. پارچه های ابریشمی چهار گوش که بافت قواره ای دارند و طرح های مخصوص به خود دارند و به عنوان روسری زنانه و و لباسی مورد استفاده قرار میگیرند و شهرت جهانی دارند. و هم اکنون نیز به شیوه سنتی در کارگاه های چاپ باتیک تهیه میشود. ویژگی خاص آن ها عبارتند از: ظرافت، سبکی، طرحهای بته جقه ای، نقوش گلهای محلی منطقه که قابل توجه می باشند. این روسری تنها اثر باستانی است که تاکنون نیز مورد استفاده قرار میگیرد. ولی متأسفانه امروزه به غلط روسری کلاچه ای در بازار جهانی به غلط چینی معرفی میشود. در صورتی که اصولاً چینی ها چیزی به نام روسری در لباس سنتی خود ندارند. و آنچه که مسلم است این است که چگونه کشوری که نه در تاریخ خود و نه در دین و مذهب و نه باورهایشان برای واژه روسری تعریفی نداشته است چگونه صاحب روسری کلاچه ای شده است البته این گفته را بنده با توجه به تحقیق و تفحص در کتابها و فیلم ها و بررسی پوشاک سنتی چین اعلام میکنم آیا کدام انسان عاقلی قبول میکند لباسی که هیچ کاربردی در تاریخ یک ملت نداشته است چگونه میتواند ابداع کننده آن باشد و متأسفانه امروزه همین روسری به جهت منافع مادی طوری کوچک شده است که گردن و موی نیمی از خانم های ایرانی بیرون میماند در صورتیکه این روسری بزرگترین روسری آذری، قشقایی، ترکمنی است. حداقل اندازه هر ضلع آن یک متر و نیم میباشد و مناسب برای فرهنگ ایرانی - اسلامی میباشد. و مدل کوچک آنرا نیز کرد ها و بختیاری ها مورد استفاده قرار میدهند. البته تا سالهای اخیر استاد حسین گنجینه در کارگاه باتیک خود این هنر را تا لحظه مرگ خود زنده نگه داشته بود و آرزوی دیرینه زنده یاد تاسیس کارگاه روسری کلاچه ای در جای جای ایران بود. (پوشاک سنتی آذر بایجان / به روش آذاد، صفورا محمدزاده ماکویی).

۲) **ساللما**: روسری بزرگ توری با ریشه هایی از جنس همان روسری که از روی کلاه یا روسری دیگر بسته میشود این نوع روسری در بین مردم گیلک و تالشی ها هم مورد استفاده قرار میگیرد.

۳) **روسری هایی که به صورت سه گوش بریده و دوخته میشود** و معمولاً از چارقد کوچکتر میشود. البته کاربرد آن از زیر چارقد و نیز به عنوان روسری اندرونی استفاده میشود.

۴) **آغابانی**: روسری های سفید از جنس های لطیف و نازک با اندازه های متوسط مخصوصاً مورد استفاده بانوان میانسال و کهنسال قرار میگیرد. البته این روسری هنوز هم در اکثر مناطق روستایی و خانواده های اصیل آذری کاربرد دارد. و یکی از رسم های دیرینه آذری استفاده بانوان مسن از روسری سفید است.

۵) **چالما:** روسری هایی از جنس ابریشم یا کلاقی که زنان دور سر و دهان خود همزمان میپوشند. چالما معمولاً از روی روسری به روشهای گوناگون بر روی سر بسته میشود.

۶) **یایلیق:** روسری های نازک و ظریف ابریشمی مخصوص تابستان میباشد. یایلیق در گذشته سمبل ابرو و حیثیت یک دختر آذری بود. اگر دختری یایلیق خود را گم میکرد و پسری نیز آن را پیدا میکرد، طبق سنت دیرینه آذربایجان آن دختر باید با همان پسر ازدواج میکرد چرا که دختر آذری دارای منزلت و ارزش واقعی زن را باید حفظ میکرد و حفظ حجاب و عفاف حتی قبل از اسلام جزو سنت های دیرینه در آذربایجان میباشد.

۷) **یاشماق:** به معنی پوشانیدن بخشی از چهره است و در اصطلاح بخشی از یایلیق و روسری است که زنان به دور سر و گردن مقابل دهان مینهند. طبق رسم و رسومات آذربایجان زن در آذربایجان در هنگام برخورد با مردان غریبه یا مردان مسن فامیل دهان خود را با آن میپوشاند و نشانه حجاب و حیا محسوب میشود. رو گرفتن از بزرگتر های داماد که به نوعی احترام گذاستن میباشد سنتی دیرینه در میان آذربایجانیان میباشد و البته در نوع یاشماق بستن تفاوتی در بین آنان دیده میشود. یاشماق یعنی تحمل، سکوت و سکوت عروس هرچه بیشتر باشد نشان دهنده نجابت اوست و احترام او در بین اقوام همسر افزون میگردد. نباید فراموش کرد که یاشماق بر اساس فلسفه ای در طی قرون در فرهنگمان ریشه داشته است امروزه با تکیه بر همان فلسفه و فرهنگ که مبنای هرگونه کرامت و نجابت و عزت بوده است، باید به یاشماق نگاه کرد و اگر نمیخواهیم یا نمیتوانیم یاشماق برون را حفظ کنیم ارزش بنیادین یاشماق را فراموش نکنیم. با یک نگاه در جایگاه زن در خانواده در زمانهای گذشته و مقایسه زن در خانواده و جامعه امروزی روشن میشود که حفظ مقام والای زن با یاشماق در گذشته با حمایت هیچ وکیل ماهر و خبره ای در جامعه امروزی میسر نخواهد شد.

۷-۱- **ویژگی های کلافی و یاشماقی:** پارچه های نخی و ابریشمی که بر روی آن توسط قالب های چوبی طرحها و نقشهای محلی زده میشود و سپس به جهت تثبیت رنگ پارچه اقدام به پخت پارچه میشود رنگ های مورد استفاده رنگ هایی با ریشه محلی از دسته گیاهی و معدنی میباشد. ویژگی خاص این پارچه ها سبکی و ظرافت و رنگ های ملایم مانند ابی، نیلی، فیروزه ای، سبز، لیمویی، زرشکی، بنفش کمرنگ و نارنجی میباشد این روسری ها چروک نمیشوند و از جنس نخی و پشمی برای فصول سرد و از جنس ابریشمی برای فصول تابستان و عروسی استفاده میشود. هم اکنون این روسری ها به روش های کاملاً سنتی در اسکو یکی از شهر های آذربایجان شرقی تهیه میشوند. آذری ها بعد از بستن چارقات اغلب یک روسری را به صورت نوار باریکی تا کرده و سپس با دوبار پیچیدن در دور سر در قسمت پشت سر گره میزنند. معمولاً رنگ چالما با رنگ روسری متفاوت است. طرز بستن کلاقه ای و یاشماق در نقاط مختلف آذربایجان به روش های مختلفی صورت میگیرد.

۸) **چادر قجری:** از دو تکه تشکیل شده و قسمت پایین آن جلو بسته و نواردوزی شده با کمربندی در پشت اندام بسته میشود و قسمت بالایی باز میماند. (در آذربایجان به چادر قجری مرفش هم میگویند) در صورت استفاده از پارچه های چهارخانه الا چادرا گفته میشود.

۹) **آلا چرشو:** چادرهای زنانه چهارخانه که قسمت پایینی آن به دور کمر جمع میشود و جنس آن کلفت تر از آلاچادرا می باشد.

۱۰) **مقنه:** روسری سه گوشه که قسمت جلویی آن نیز دوخته و یا به وسیله سنجاق بسته می شود (همان)

۱۱- **بورک (کلاه):** بورک یا کلاه در آذربایجان به چندین اسم موجود میباشد از جمله کلت (دخترانه) عرقچین (پسرانه) تیرمه بورک (مردانه) آراشقین (زنانه) هوتوس (زنانه) و علاوه بر آن به چند صورت تهیه میشود دختران تا قبل از ازدواج کلاهی به نام کلته میپوشند که تمام سطح آن با الیاف ابریشمی دست دوزی میشود قسمت جلویی آن سکه دوزی و با جهک

نواردوزی میشود این کلاه همراه با روسری ابریشمی قرمز رنگ استفاده میشود. نوع دیگری از کلاه نیز کلاهی است که با دست بافته میشود و برای تزئین آن از شکل‌های محلی و الهام گرفته از ائمه، دوازده شکل و یا گل که دور مرکز کلاه قرار میگیرند و درست در وسط کلاه نقشی از گل های محلی به عنوان نشانی از رسول اکرم تعبیه میکنند. که از پر حیواناتی همچون طاووس و طوطی استفاده میشود و اصطلاحاً به آن توغ میگویند. و منگوله و گل و یا هر زیورآلاتی که بر نوک کلاه ها زده میشد تپه لیک گفته میشود. (پوشاک سنتی آذر بایجان / به روش آذاد، صفورا محمدزاده ماکویی).

آراشقین: کلاه های مخملی و پولک دوزی شده مخصوص استفاده بانوان که از زیر روسری به صورت کج بر روی سر گذاشته میشود.

عرقچین: کلاه های نیم دایره از جنس پارچه و پنبه ای مخصوص فصل گرما نوع زنانه آن دارای یراق گلدوزی و غیره است. **هوتوس:** کلاه های کوچک سوزن دوزی شده که زنان از زیر روسری به سر میگذاشتند و توسط دو بند ظریف در زیر چانه بسته می شد.

تیرمه بورک: کلاه مردان که از ترمه دوخته میشد و مخصوص منزل بود دور آن یراق دوزی میشد **عرق چین:** کلاه های نیم دایره از جنس پارچه و پنبه ای مخصوص فصل گرما که نوع زنانه آن دارای یراق و گلدوزی است و به صورتهای مختلف در مناطق مختلف دیده میشود البته در مناطق مختلف کشور اسامی مختلفی هم دارد. (همان)

تزئین گیسو در بین زنان ترک آذربایجان

زنان برای آرایش گیسوان خود به سه روش زیر عمل می نمودند: در ابتدا فرقی از میان سر باز کرده و قسمتی از موی خویش را به سمت راست و بخش دیگر را به چپ متمایل کرده و چارقد را بر سر می نمودند که در این حالت فقط اندکی از موی جلوی پیا - شد؛ در حالت دیگری زنان به خصوص دختران جوان، قسمت کمی از حالت موهای دو طرف صورت را تا زیر گونه چیده و آنها را می پیچانده و در کنار گوندها فرو می بردند و در سوم موهای چیده شده را زیر چارقد در کنار گونه ها آزاد گذاشته و دو عدد گیره ی سر در دو طرف ابروها می زدند. که البته امروزه در این مناطق فقط خانم های مسن که چارقد بر سر می کنند، بسان حالت اول و دوم گیسوان خویش را می آریند. برای هر سه به نوع آرایش مو، موهای پشت سر هرگز کوتاه نمی شود، بلکه به صورت گیس، رشته رشته بافته می شود که البته زنان مسن اغلب در حمام این کار را انجام دهند. داشتن گیسوان بلند نیز در بین زنان ترک زینت و حسن بزرگی محسوب می شود و آنها به هیچ عنوان تمایلی به کوتاه کردن گیسوان خود ندارند و همواره به داشتن موی بلند می بالند. (محمدی سیف، ۱۳۹۳: ۶۴)

روند کار عملی و همینطور شیوه های جمع آوری اطلاعات در این پروژه نیز با جمع بندی نتایج از بررسی های علمی و عملی و همچنین ارایه طراحی های هنری همراه با الگو پرداخته شده است:

مترآژ پارچه مورد نیاز:

مربعی به ابعاد ۸۰ الی ۱۰۰ سانتیمتر برای مقنعه

مستطیلی به ابعاد ۱۰۰*۴۰ برای شال متصل به مقنعه (پارچه ابریشم با چاپ باتیک)

روش برش:

پارچه ای نخ‌ی یا ابریشم با ابعاد ۸۰ الی ۱۰۰ سانتی متر را مانند روسری تا نمایید.

۱ به ۲ دو لایه باز پارچه

۲ به ۳، اندازه خط (۲ به ۱) + ۲۰ الی ۱۵ سانتی متر را روی دولای بسته پارچه علامت گذاری کنید. با خطی منحنی، نقطه ۲ را به ۳ متصل کنید.

۱ به ۴، ۴۰ سانتی متر پایین آمده، از ۴ عمود به خط ۳ به ۱ رسم می کنیم، (۴ به ۵) برابر است با نصف هلال صورت و ۴ تا ۵ را برش می زنیم.

از نقطه ۵، ۱۵ سانتی متر روی خط ۴ به ۵ پایین آمده و علامت گذاری می کنیم.

مراحل دوخت:

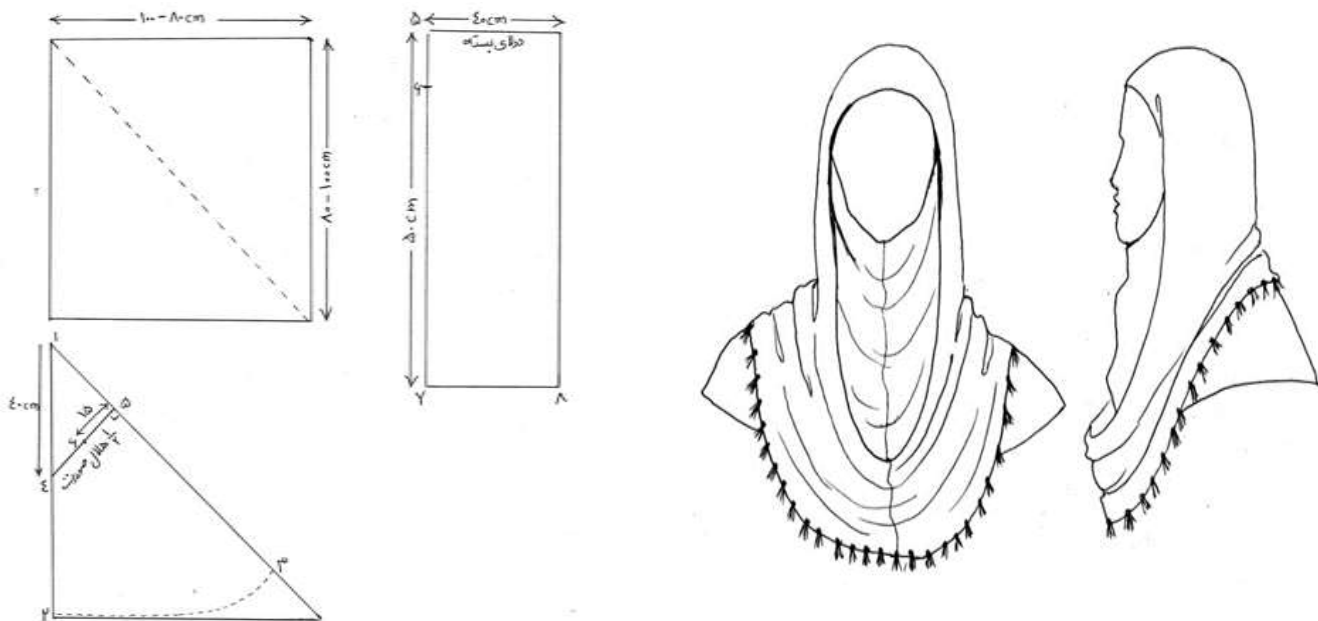
۱- خط ۴ را ۲ بدوزید

۲- خط ۲ به ۳ (پایین مقنعه) را دوخت ساده یا با پایه پیچ رول بدوزید.

۳- از خط ۵ به ۶ شال به خط ۵ به ۶ مقنعه بدوزید.

۴- خط ۷-۸ را بدوزید.

۵- برای تزیینات از منگوله دوزی پایین شال می تونیم استفاده کنیم.



طرح شماره (۱): مقنعه پفی متصل به شال

متر از پارچه:

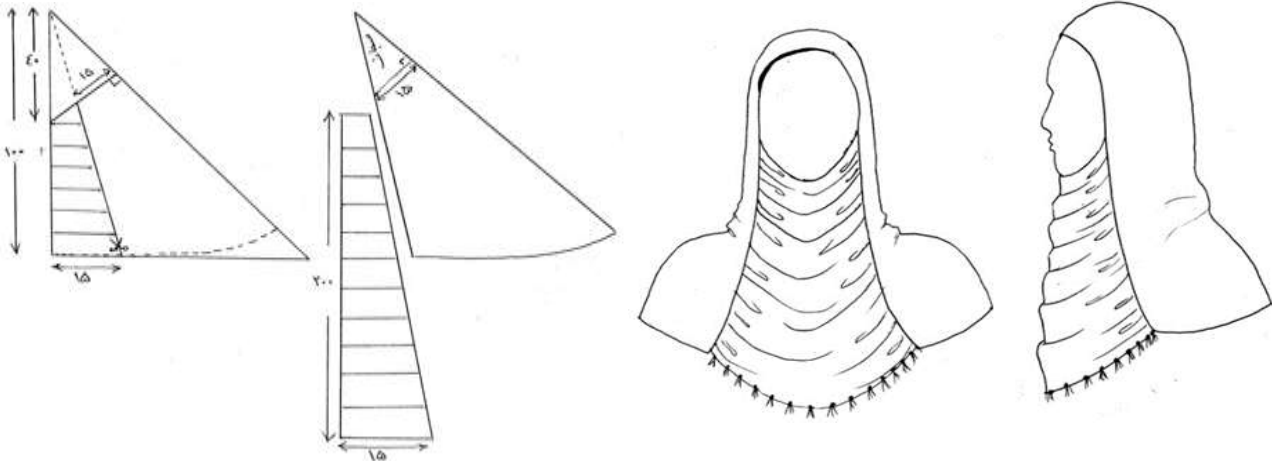
مربعی به ابعاد ۸۰-۱۰۰ سانتیمتر برای مقنعه

مستطیلی به ابعاد ۲۰۰*۳۰ برای یوک جلو مقنعه

روش برش:

از اساس الگوی مقنعه پفی استفاده می شود، برای ایجاد یوک جلوی سینه از لبه پایین مقنعه ۱۵ سانتی متر داخل آمده و وصل می شود به کنج بالا و برش می زنیم و یوک بدست آمده را در عرض تا دو برابر اوزمان می دهیم.
مراحل دوخت:

- ۱- یوک جلوی مقنعه را از دو طرف چین سوزنی داده و تنظیم می کنیم به اندازه طول قسمتی که به آن می دوزیم.
- ۲- بالای مقنعه از قسمت سجاف تا می کنیم و برای تزیین مقنعه در جلوی سینه می توانیم از منگوله استفاده کنیم.



طرح شماره (۲): مقنعه دراپه فانتزی

متر از پارچه:

۲ متر پارچه با عرض ۹۰

مستطیلی به ابعاد ۱۰۰*۶۰ برای شال متصل به مقنعه (پارچه ابریشم با چاپ باتیک)

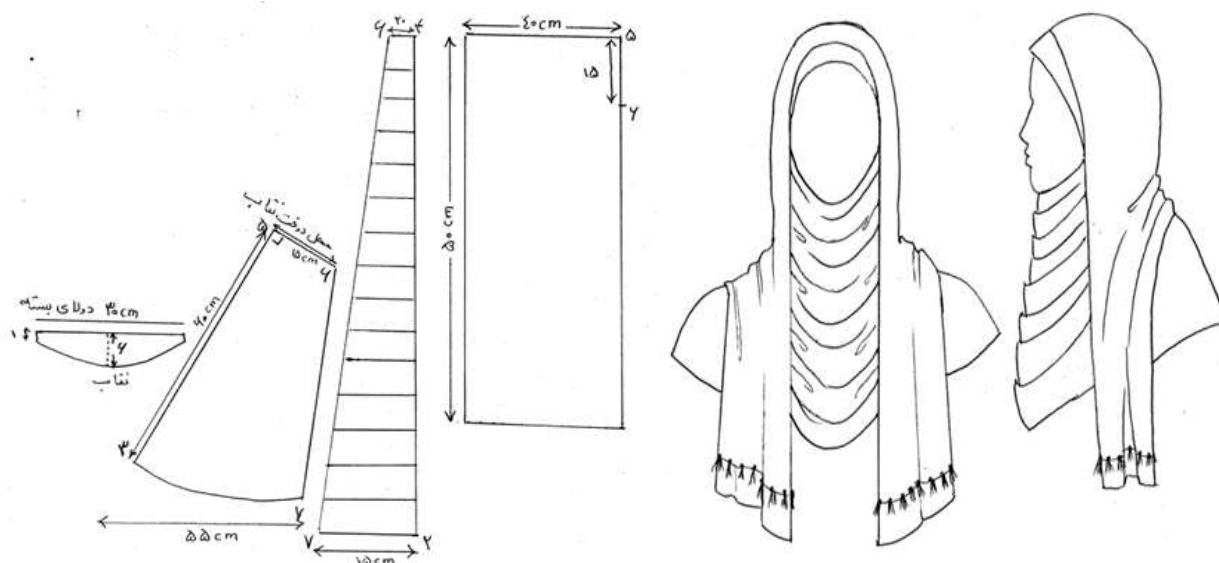
پارچه نخی به ابعاد ۱۵۰ سانتی متر در عرض ۱۲۰ سانتی متر

روش برش:

از اساس الگوی مقنعه پفی استفاده می شود، برای ایجاد یوک جلوی سینه از لبه پایین مقنعه ۲۵ سانتی متر داخل آمده و وصل می شود به کنج بالا و برش می زنیم و یوک بدست آمده را در عرض تا دو برابر اوزمان می دهیم.

مراحل دوخت:

- ۱- یوک جلوی مقنعه را از دو طرف چین سوزنی داده و تنظیم می کنیم به اندازه طول قسمتی که به آن می دوزیم.
- ۲- نقاط (۵-۶) شال را به مقنعه متصل می کنیم.
- ۳- سپس نقاب جلوی مقنعه را به نقاط (۵-۶) متصل می کنیم.
- ۴- لبه پایین مقنعه را به وسیله پایه پیچ روال دوخته و پیرامون شال را دوخته و برای تزیین از منگوله در لبه شال استفاده می کنیم.



طرح شماره (۳) : مقنعه دراپه با شال متصل

نتیجه گیری:

پیشینه ی پوشش مردم ترک آذربایجان با توجه به سنگ نگاره های به جا مانده از باستان نشان می دهد که ایرانیان در زمینه ی پوشاک، صنعت بافندگی و نساجی، تزیین جامه و موارد مشابه بسیاری، با مناطق غرب و ملل شرق تفاهم داشته اند و در اهمیت لباس در قالب هویت قومی و ملی ریشه ای بس عمیق ساخته اند. استان هر کشوری برای خود لباس های سنتی خاص دارد، ولی بدون تردید هیچ کشوری همچون ایران دارای تنوع فوق العاده و چشمگیر در پوشاک سنتی نبوده و مانایی لباس های سنتی بی دلیل نیست. علت آنکه لباس های سنتی پس از گذشت قرنها همچنان خود را به عنوان یک پدیده فرهنگی تثبیت کرده اند، آن است که در این گونه لباس ها ویژگی های خاصی وجود دارد که عبارت اند از داشتن تجانس و قرابت فوق العاده با فرهنگ جامعه و بویژه با محل مورد نظر خود.

استفاده از طراحی لباس اقوام آذربایجان برای طراحی سرپوش می تواند سدی در برابر مدها و الگوهای بی پایه و اساس وارداتی محسوب شود و به نوعی به قطع وابستگی اقتصادی و حفظ فرهنگ و اصالت قومی ایرانی کمک می کند. در این پروژه با توجه به خصوصیات و ویژگی های انواع سرپوش اقوام آذربایجان و ساختار و تعریف کلی روسری سنتی سعی شده مقنعه ای طراحی شود تا با استفاده از نقوش سنتی و هنر تزیینی چاپ باتیک این اقوام، سرپوشی کاملا متناسب با محیط اجتماعی بانوی ایرانی باشد. از آنجاییکه طراحی این نوع پوشش برای زنان جامعه اسلامی باید بر اساس شرایط اقلیمی و فرهنگی خاص خود باشد، این پژوهش سعی بر ایجاد این شرایط و در حقیقت احیای نقوش، خطوط برش و تزیینات به کار رفته در سرپوشهای آذری داشته تا بتواند یک طراحی سنجیده و نوینی در این راستا ارائه دهد، چرا که ضرورت پوشش با ساختار جذابیت هنری بسا حائز اهمیت فراوان در به ثمر رساندن شناسایی فرهنگ و هنر آن جامعه دارد.

سرپوش های ارائه شده در این پژوهش با ایده پردازی سنتی با توجه به ویژگی های منطقه شمال غرب کشور و لباس اقوام آذری می باشد. در پژوهش حاضر به بررسی مفاهیم حجاب و سرپوش ایرانی، تزیینات و شکل الگوی آن در پوشاک سنتی بانوان آذربایجان ایران پرداخته شده است که در نهایت به اهداف این پژوهش که ترویج الگوهای مناسب حجاب برای زنان

جامعه ایرانی می باشد، دست یافت تا بتواند به واسطه ی شناخت عناصر سنتی البسه بومی بانوان آذری، به ارائه جذابی از طرح های نوین در راستای تولید سرپوش ملی برای زنان ایرانی برسد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷)، لسان العرب، الطبعة الاولى، دار صادر بیروت.
- اداره کل آموزش فنی و حرفه ای گیلان (۱۳۹۸)، مقاله در مورد عفاف و حجاب، مرکز مهارت های پیشرفته رشت.
- آریان پور، (۱۳۵۴)، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- پارچه شناسی، کلاسه های دوم سوم چهارم رشته خیاطی نظام قدیم
- پژوهش های نهج البلاغه (۱۳۸۸)، مرکز پژوهش های علوم انسانی.
- حسن عمید (۱۳۸۹)، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، ناشر: اشجع، چاپ نخست: ۱۳۸۹
- سلیمان بن اشعث ابو داوود، سنن ابی داوود، ج، ۴.
- صفورا محمدزاده ماکویی (۱۳۹۳)، پوشاک سنتی آذربایجان الگو دوخت پوشاک سنتی آذری، نوبت چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳، تبریز بهار دخت.
- علی اکبر دهخدا (۱۳۷۸)، لغت نامه دهخدا دانشگاه تهران، چاپ اول، دوره جدید .
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۹۹۸)، قاموس المحيط، الطبعة الاولى، دار الجیل بیروت.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۹۸۷)، المصباح المنیر، بیروت، مکتبه لبنان.
- محمدی، القا، معصومه و تشکری اکرم (۱۳۹۰)، چادر و مقنعه، انتشارت پیک ریمان.
- معصومه محمدی سیف، (۱۳۹۸)، جامعه شناسی پوشاک سنتی و زیور آلات زنان ایران زمین، تهران: اندیشه احسان .
- معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ معین، انتشارات زرین، تهران.
- وفایی فرد، مهدی (۱۳۸۴)، در جستجوی هویت شهری، بیرجند، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- یاوری، حسین و سرخوش، شیدا (۱۳۸۹)، آشنایی با لباس ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران، انتشارات تهران، آذر ۱۳۸۹.

وبسایت <https://fashion4iran.com/blog>